

و یک پرسش راهبردی؛ آنچه ایران را حفظ کرد، اراده بود یا قدرت؟



اظهارات اخیر شیخ صادق الغریانی، مفتی لیبی، درباره تحولات منطقه و جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران، فراتر از یک موضع‌گیری سیاسی مقطعی، حامل یک پرسش راهبردی برای جهان اسلام است؛ پرسشی که سال‌هاست در برابر نخبگان و دولت‌های اسلامی قرار دارد: چرا برخی کشورهای اسلامی با وجود برخورداری از ثروت‌های عظیم، موقعیت ژئوپلیتیکی ممتاز و جمعیت قابل توجه، همچنان در معادلات امنیتی و سیاسی منطقه نقش تعیین‌کننده‌ای ندارند، در حالی که برخی دیگر توانسته‌اند در برابر فشارهای خارجی مقاومت کرده و هزینه‌های سنگینی را بر رقبای خود تحمیل کنند؟

الغریانی در سخنان خود بر یک نکته کلیدی تأکید می‌کند؛ «اراده». او معتقد است آنچه ایران را در برابر فشارها، تحریم‌ها، تهدیدها و جنگ‌های مستقیم و غیرمستقیم سرپا نگه داشته، صرفاً امکانات نظامی یا اقتصادی نبوده، بلکه وجود اراده‌ای ملی برای حفظ استقلال، مقاومت در برابر فشار خارجی و اتکا به ظرفیت‌های داخلی است. فارغ از موافقت یا مخالفت با سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران، این گزاره از منظر مطالعات راهبردی و روابط بین‌الملل قابل تأمل است.

در ادبیات امنیت ملی، قدرت تنها به تجهیزات نظامی، منابع مالی یا وسعت سرزمینی محدود نمی‌شود. تجربه دهه‌های اخیر نشان داده است که کشورها زمانی قادر به حفظ امنیت و منافع خود هستند که میان اراده سیاسی، انسجام اجتماعی، اعتماد عمومی و توانمندی‌های مادی نوعی پیوند راهبردی برقرار شود. فقدان هر یک از این عناصر می‌تواند قدرت ظاهری را به ساختاری شکننده تبدیل کند.

بخش مهمی از بحران‌های جهان اسلام نیز از همین نقطه آغاز می‌شود. طی دهه‌های گذشته بسیاری از کشورهای اسلامی بخش قابل توجهی از امنیت خود را به بازیگران خارجی واگذار کرده‌اند. نتیجه این رویکرد، شکل‌گیری نوعی «امنیت وارداتی» بوده است؛ امنیتی که بر پایه حضور نیروهای خارجی، پیمان‌های نظامی فرامنطقه‌ای و وابستگی به قدرت‌های بزرگ استوار است. تجربه عراق، افغانستان، لیبی، سوریه و حتی برخی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس نشان می‌دهد که چنین امنیتی در شرایط بحرانی از پایداری لازم برخوردار نیست و در بسیاری موارد خود به منشأ بحران تبدیل می‌شود.

جنگ‌های اخیر منطقه نیز بار دیگر این واقعیت را آشکار کرده است که نهادهای بین‌المللی، از جمله شورای امنیت سازمان ملل متحد، در بسیاری از موارد توان یا اراده لازم برای جلوگیری از درگیری‌ها و حمایت برابر از همه بازیگران را ندارند. ساختار نظام بین‌الملل همچنان تحت تأثیر موازنه قدرت میان بازیگران بزرگ قرار دارد و کشورهای اسلامی نمی‌توانند امنیت خود را صرفاً بر مبنای ضمانت‌های خارجی یا سازوکارهای بین‌المللی بنا کنند.

در چنین شرایطی، سخن مفتی لیبی را می‌توان دعوتی به بازنگری در الگوی امنیتی جهان اسلام دانست. مسئله اصلی این نیست که همه کشورهای اسلامی دقیقاً همان مسیر یک کشور خاص را دنبال کنند؛ بلکه پرسش اساسی آن است که آیا جهان اسلام توانسته است اراده‌ای مستقل برای تأمین امنیت، توسعه و پیشرفت خود ایجاد کند یا همچنان در چارچوب معادلاتی حرکت می‌کند که توسط دیگران طراحی شده است؟

واقعیت آن است که بخش مهمی از ضعف راهبردی جهان اسلام ناشی از فقدان پروژه‌های مشترک، رقابت‌های فرسایشی داخلی و شکاف‌های سیاسی میان کشورهای اسلامی است. در حالی که بسیاری از تهدیدهای پیش روی امت اسلامی ماهیتی مشترک دارند، واکنش‌ها اغلب پراکنده، مقطعی و مبتنی بر منافع کوتاه‌مدت بوده است. نتیجه چنین وضعیتی، کاهش قدرت چانه‌زنی کشورهای اسلامی در نظام بین‌الملل و افزایش وابستگی آنان به بازیگران خارجی است.

از منظر گفتمان تقریب نیز این مسئله اهمیت ویژه‌ای دارد. وحدت اسلامی تنها یک شعار فرهنگی یا

مذهبی نیست، بلکه دارای ابعاد سیاسی، اقتصادی و امنیتی نیز هست. تا زمانی که کشورهای اسلامی نتوانند بر پایه منافع مشترک، احترام متقابل و همکاری راهبردی به سطحی از همگرایی دست یابند، دستیابی به امنیت پایدار و نقش آفرینی مؤثر در تحولات جهانی دشوار خواهد بود.

امروز بیش از هر زمان دیگری جهان اسلام نیازمند بازتعریف مفهوم قدرت است. قدرت تنها در خرید تسلیحات پیشرفته یا انعقاد پیمان‌های امنیتی خلاصه نمی‌شود، بلکه از اراده ملت‌ها، اعتماد به ظرفیت‌های داخلی، انسجام اجتماعی، استقلال تصمیم‌گیری و همکاری میان کشورهای اسلامی شکل می‌گیرد. تجربه‌های معاصر نشان داده است که هر جا این عناصر در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند، امکان مقاومت در برابر فشارهای خارجی و حفظ منافع ملی افزایش یافته است.

پرسش مطرح شده از سوی شیخ صادق الغریانی در واقع پرسشی درباره آینده جهان اسلام است؛ آیا کشورهای اسلامی می‌توانند از چرخه وابستگی امنیتی خارج شوند و بر پایه اراده و همکاری درون‌اسلامی، الگوی جدیدی از اقتدار و امنیت را شکل دهند؟ پاسخ به این پرسش، نه تنها سرنوشت یک کشور یا یک منطقه، بلکه آینده جایگاه جهان اسلام در نظام بین‌الملل را رقم خواهد زد.

امید علی پور

سردبیر سایت های مجمع جهانی تقریب مذاهب